



روزنامه جوان | شماره ۵۱۲۹

چهارشنبه ۱۴ تیر ۱۳۹۶ | ۱۰ شوال ۱۴۲۸

گفت‌وگو

شیوانوروزی
به‌پرخی چهارهای ورزشی یکی ازچالش‌های همیشگی

ورزش ایران بوده‌است. با اینکه مدیران فدراسیون‌ها همواره دم از مبارزه با ورزشکار سالاری زده‌اند اما همچنان تصمیماتی دربرخی رشته‌هاگرفته می‌شود که بر اساس آن، یکی ازمدال‌آوران برای کل فدراسیون و تیم‌ملی تعیین تکلیف می‌کند.برای ریشه‌یابی علل بروز پدیده ورزشکار سالاری و راه‌های مبارزه با آن، به سراغ مهدی علی‌نژاد رئیس فدراسیون وووشو رفتیم، مدبری که به‌شدت مخالف ورزشکار سالاری است و در مدت مدیریتش با این معضل مبارزه کرده‌است.



مهدی علی نژاد رئیس فدراسیون ووشو در گفت‌وگو با «جوان»:

ورزشکار سالاری حاصل سوءمدیریت و کار گلخانه‌ای است

با پدیده ورزشکار سالاری و حمایت‌های بیش از حداز ورزشکاران مدال آور موفق هستید؟
قطعا با این موضوع بسیار مهم مخالف هستم. بر این باورم که هر کاری قاعده‌ای دارد و برای رسیدن به هر هدف باید ضوابطی رعایت شود. از طرفی هر فردی در هر مجموعه‌ای نیز شأن خاص خود را دارد. ورزشکار در این مجموعه نقش یک سرباز برای وطنش را دارد و قاعدتا برای مجموعه‌ای در آن است باید انجام وظیفه کند. قاعدتا اگر فدراسیونی بیش از اندازه شرایطی را ایجاد کند که ورزشکار یا آفرانتر از حد و حدودش بگذارد و در حوزه‌های دیگر به جای مربی و مدیر تصمیم‌گیری کند، قطعا هر می وارونه شکل خواهد گرفت. در صورتی که چنین اتفاقی رخ دهد و شرایط برای دخالت‌های یک ورزشکار مهیا شود، قطعا آسیب‌های جدی به آن رشته و حتی ورزش کشور می‌زند.

مدیران و مسئولان در مبارزه با این پدیده چه نقشی را ایفا می‌کنند؟
رئیس فدراسیون به هیچ عنوان نباید در فدراسیون متوجهی به کسی چنین اجازه‌ای دهد که ورزشکار سالاری یا حتی مربی‌سالاری شکل بگیرد. فرقی نمی‌کند، هر کدام از این دو پدیده می‌تواند آسیب‌های زیاد به همراه داشته باشد و هر دو مخرب هستند. در حقیقت هر کسی باید در جای خودش باشد و کار خودش را بر اساس شرح وظایفی که برایش تعریف شده‌است، انجام دهد.

فدراسیون‌های ورزشی چطور باید از بروز ورزشکار سالاری جلوگیری کنند؟
رسیدگی به امور طبق وظایفی که تعیین شده یکی از این راه‌حل‌هاست. فدراسیون‌ها در صورتی به معضل ورزشکار سالاری مبتلا می‌شوند که به‌تک چهره‌ها وابسته هستند. در حالی که اگر به مقوله‌های مهم استعدادیابی و پشتوانه‌سازی اهمیت دهند و گستره خوبی از نیروها را در اختیار داشته باشند چنین مسائلی برایشان رخ نمی‌دهد. در این شرایط نه ورزشکاری حس می‌کند که تنها فرد مؤثر آن فدراسیون است و نه مدیر این ترس را دارد که در صورت دادن تک ستاره‌اش به مشکلات زیادی برخورد خواهد کرد. اگر کار با برنامه پیش برود فکر نمی‌کنم تنها در رشته‌هایی این مسائل وجود دارد که به جای کار اصولی، گلخانه‌ای کار کرده‌اند.

برای آنکه بحث ورزشکار سالاری مطرح نشود، فدراسیون‌ها در مقابل درخواست‌های تک ستاره‌هایشان چه واکنشی باید نشان دهند؟
باید مدیریت صحیح آنست است تک ستاره‌ای عملکرد درخشانی هم داشته باشد اما اگر درخواستی خارج از قاعده کرد هر گز نباید از سوی فدراسیون‌ها پذیرفته شود. برای مبارزه با این معضل باید نگاهمان حرفه‌ای باشد. باشگاه‌های بزرگ فوتبال جهان را ببینید، آ یا آنها به بازیکنانشان اجازه می‌دهند چنین رفتارهایی داشته باشند و در کار مربی و مدیر دخالت کنند؟! حتی بزرگ‌ترین بازیکنان فوتبال نیز اجازه تصمیم‌گیری برای تیم و باشگاهشان را نداشته‌اند، هیچ وقت تعیین نکرده‌اند با کدام مربی یا مدیر دوست دارند کار کنند. هر فردی بر اساس قراردادیک که دارد وظیفه‌اش را انجام می‌دهد.

باهدان بیش از حد به برخی چهارچه‌ها تاثیرات مخربی در ورزش ایران خواهد داشت؟

اگر به ورزشکاران حاشیه‌امن دهیم، اول از همه انگیزه را ازسایرین گرفته‌ایم. ازسوی دیگر اینکه حرمت‌ها از بین می‌رود چرا که اگر ورزشکار به جای مدیر و مربی تصمیم بگیرد دیگر حرمتی باقی نمی‌ماند. به‌طور کل ورزشکار سالاری سیستم را معیوب می‌کند و هیچ چیز سرجای خود نیست. دیگر نمی‌توان کار را جمع کرد و هر

سرموس ورزشی ۸۸۹۹۴۳۲



و مرجی اساسی ایجاد می‌کند. شاید در کوتاه مدت ویا تکیه بر ورزشکار سالاری نتایج خوبی در یک رشته کسب شود اما مؤثر آن فدراسیون است و نه مدیر این ترس را دارد که در صورت دادن تک ستاره‌اش به مشکلات زیادی برخورد خواهد کرد. اگر کار با برنامه پیش برود فکر نمی‌کنم تنها در رشته‌هایی این مسائل وجود دارد که به جای کار اصولی، گلخانه‌ای کار کرده‌اند.

وقتی تعداد نفرات مؤثر کم باشد ممکن است چنین مسائلی هم اتفاق بیفتد. اگر با یک بر نام‌برزی دقیق تعداد ورزشکاران تاثیر گذار را به حدی برسایم که به تک چهره‌ها مبتکی نباشیم، هیچ قهرمانی نمی‌تواند با تکیه بر مدال‌هایی که گرفته خواسته‌هایی غیر معقول بخواهد و فدراسیونش را تحت فشار بگذارد. از همه مهم‌تر اینکه مکانسیم فدراسیون به گونه‌ای نباشد که انتخاب ملی‌پوشان تیم‌های ملی بر اساس حاشیه‌امن برای نفرات قدیمی صورت بگیرد. در همین فدراسیون وووشو برای هیچ کدام از قهرمانانم در هر هیچ زمانی حاشیه‌ای‌امن ایجاد نکرده‌ایم. البته در راه رسیدن به این اهداف ریسک‌هایی نیز وجود دارد که مسئولان باید قدرت ریسک داشته باشند و ورزشکار سالاری برهیز کنند. در این مسیر احتمال دارد با مشکلاتی مواجه شوند و نتایج ضعیفی گرفته شود. اما اثرات مخرب ورزشکار سالاری بسیار بالاست و آسیب‌های جبران‌ناپذیری به فدراسیون‌ها می‌زند. قطعا آرزوش را دارد که با بهادان به نفرات دیگر و جوان‌تر از بروز این پدیده جلوگیری شود. البته به این نکته هم باید توجه داشت که دوران قهرمانی و مدال آوری ورزشکاران کوتاه‌است.

تمامل مهره کم شده برخی رشته‌های ورزشی است که چالش‌های زیادی را به همراه دارد. تعامل بین ورزشکار، مربی و فدراسیون چگونه

باید مدیریت شود؟

اصل داستان همین است. همانطور که با تعامل می‌توان به اهداف بزرگ دست یافت فقدان تعامل نیز درمسراساز می‌شود. رئیس فدراسیون به عنوان پدر خانواده باید رطه عاطفی خوبی با ورزشکاران و مربیانش داشته باشد تا آنها هم رئیس را بپذیرند و بانداند اگر تصمیمی گرفته می‌شود در راستای منافع جمعی است نه فردی. از سوی دیگر اینکه همه افراد سیستم بدانند که هر فردی باید در جایگاه خودش ایفای نقش کند و مسئولیتش را انجام دهد. همه باید بدانند در صورتی که خارج از حیطه وظایف عمل کند سیستم قطعا زیر بار این مسئله نمی‌رود.

در فدراسیون وووشو طی سال‌های مدیریتتان بر این رشته با نمونه‌های داخلی یا خارجی که منجر به ورزشکار سالاری شده باشد مواجه شده‌اید؟

هیچ وقت در وووشوی ایران ورزشکار سالاری نداشته‌ایم. شاید در برخی موارد ورزشکاران ما از نظر روحی دچار مشکلاتی شدند که درخواست‌هایی خارج از قاعده داشتند ولی ما هرگز خواسته‌هایشان را نپذیرفتیم. در دنیا وووشو نیز واقعا چنین موردی سراغ ندارم. همانطور که همه می‌دانند چنین قدرت بر تر و مهد این رشته در دنیا است. چنین‌ها نیز طبق روال همیشه هر سال به ورزشکاران جدیدی اجازه حضور در تیم ملی را می‌دهند. آنها هرگز اجازه نمی‌دهند یک وووشوکار دوبار در مسابقات شرکت کند چراکه پتانسیل بسیار خوبی در وووشو دارند و همواره نفرات زیادی آماده، رقابت در عرصه بین‌المللی هستند. علاوه بر این از نظر فرهنگی اصلا چنین قضایی برای ورزشکارها نمی‌کند که متخلف چه کسی باشد، ستاره، بزرگ، معروف، قانون تعارف بردار نیست. وقتی تخلف کنی یا محرومیت و جریمه روبه‌رو می‌شوی. تفاوت نمی‌کند رونالدو یا مسی چنین‌ها به شدت سلسله مراتب را رعایت می‌کنند.

تکرر تا ثابت کند تنها کار فنی بازیکن و نظم و انضباط او برایش مهم است، تیم ملی والیبالیان ایران نتوانست از بازیکن سالاری دور باشد. در زمان کوچ و بعداز مسابقات جام جهانی ژاپن، شلبنه‌های زیادی در این زمینه مطرح شد.کوچ در تورنمنت واگتر لهستان به‌طور غیرمسقیم از مشکلات خود با ملی‌پوشان گفت واینکه برخی در بازی‌ها به حرف او گوش نمی‌دهند. اما بعد از نتایج ضعیف ایران در جام‌جهانی این بیعتنله جدی‌تر شد و حتی گفته شد عدم نتیجه‌گیری تیم برای بر کناری ای مربی بوده است.بابر کناری کوچ شایعه‌د فدراسیون برای انتخاب لوزانو با یکی از ملی‌پوشان بزرگ و بانفوذ مشورت کرده چراکه با حضور لوزانو، این بازیکن می‌توانست در انتخاب نفرات تیم ملی دخالت کرده و در اردوهای خارجی هر کاری دلش می‌خواست انجام دهد.حضور زینی مصدوم در اردوی آمریکا، لیست خوردن نام معنوی نژاد و اضافه شدن ظرفی به تیم ملی المپیک و ماجرای شرکت نکردن سه ملی پوش والیبال در مراسم رژه کاروان ایران در المپیک ریو شایعه بازیکن‌سالاری را به‌واج خودرساند.

مسئله‌ای که گویا کولاکوویچ سرمربی جدید هم نتوانای مقابله با آن را ندارد. این جریان بازی‌های لیگ جهانی شنیده می‌شود یکی از بازیکنان به بهانه بیماری از حضور در مسابقه خودداری کرده‌ا اما هیچ گونه برخوردی با او نمی‌شود، نه از کادرفنی و نه فدراسیون.
ز من‌مه‌های ناخوشایند
بحث بازیکن سالاری در توکواندو، قبل از المپیک از سوی مینو مناح مطرح شد. زمانی که کادرفنی تیم ملی بانوان تغییر کرد و کمرانی جای ملاح را گرفت، مراسم بزرگشونده تیم ملی شدی این تصمیم براساس بازیکن‌سالاری گرفته‌شده‌است: «فکر نمی‌کردم به‌خاطر بازیکن‌سالاری کتار گذاشته شوم، اما در فدراسیونی که بازیکن‌سالاری در آن پیش می‌رود، من دیگر نمی‌توانم حرفی برای گفتن نداشته باشم.» البته فدراسیون هرگز بر این مسئله نفرت‌ا ما بحث بازیکن‌سالاری در فدراسیون توکواندو به‌رغم اینکه بولااگر، رئیس آن بر مبارزه با آن تأکید دارد، همچنان به‌گوش می‌رسد. به‌طوری‌که بعداز انتخاب بی‌پاک‌به‌عنوان سرمربی تیم ملی، گفته شد که او کمترین آزار از سوی شورای فنی به‌دست آورده بود اما به خاطر اصرار برخی از ملی‌پوشان جایگزین بین‌مقلو شده‌است. البته این مسئله نیز از سوی فدراسیون پذیرفته‌نشد اما مزه‌مه‌های آن همچنان به‌گوش می‌رسد.

زیر سؤال رفتن ارزش‌های ورزش باورزشکار سالاری

نگاه
سعید احمدیان

اختلاف کیانوش رستمی وسجاد انوشیروانی که در نهایت به‌جانبداری فدراسیون از قهرمان کرمانشاهی المپیک و کناره‌گیری سرمربی اردبیلی منجر شد، باز دیگر معضل ورزشکار سالاری در ورزش ایران را سر زبان‌ها انداخته‌است؛ معضلی که همواره توسط مدیران و مربیان تقبیح می‌شود اما در عمل می‌توان هر چند وقت یکبار نمونه‌هایی از این پدیده زشت را دید که به‌وجه ورزش کشورمان ضربه زده و سبب شده تا مرزها و حریم‌هایی که بین مربی و ورزشکار وجود دارد، جابه‌جا شود. آخرین آن هم همان طور که اشاره شد، اختلاف سسرربی وقهرمان وزنه‌برداری کشورمان بود که انتقادهای زیادی را متوجه فدراسیون وزنه‌برداری کرده‌است؛ فدراسیونی که مدیریت آن با حمایت از رستمی، ورزشکار سالاری را در این رشته ورزشی باب کرده‌است. این در حالی است که در ورزش ایران با توجه به فرهنگ پهلوانی که از گذشته‌های دور بر آن حاکم بوده، همواره بر حفظ حریم‌ها و حرمت‌هایی که بین مربی و ورزشکار وجود دارد، تأکید کرده و آرزش یک مربی همواره در بالاترین جایگاه قرار داشته‌است. با این حال ورزشکار سالاری و ترجیح دادن یک قهرمان به مربی، نقطه مقابل ارزش‌های حاکم بر ورزش کشورمان است که با آن تناقض دارد. با وجود تأکیدات زیادی که بر این مسئله شده اما به نظر می‌رسد ریشه ورزشکار سالاری در ایران خشک نشده و در رشته‌های مختلف می‌توان موارد مختلفی را از این پدیده غیر قابل قبول که با مفاهیم پهلوانی منافات دارد، مشاهده کرد.

البته خیلی از مربیان با توجه به قاطعیتی که دارند، همواره مقابل این پدیده ایستادگی کرده و اجازه نداده‌اند که یک ورزشکار از محدوده‌ای که دارد فراتر برود. با این حال برخی از این مربیان به‌رغم تأکیدشان بر مقابله باورزشکار سالاری، از سوی مدیران مورد حمایت قرار گرفتند و در نهایت مانند اتفاقی که برای رشته وزنه‌برداری افتاد، برای اینکه حرمتشان حفظ شود کناره‌گیری کرده‌اند. در همین راستا باید مدیران نقش تعیین‌کننده‌ای در مبارزه باورزشکار سالاری داشته باشند و جلوی چنین پدیده‌ای که می‌تواند بسه ورزش ضربات زیادی را وارد کند، بگیرند. به هر حال در سیستم مدیریتتی، هم مربی و هم ورزشکار زیرمجموعه فدراسیون هستند و رئیس فدراسیون به‌عنوان مسئول بالا دستی می‌تواند نقش تأثیر گذاری در عدم ترویج ورزشکار سالاری در مجموعه تحت مدیریتش داشته باشد. در ماجرای کیانوش رستمی وسجاد انوشیروانی، مدیریت فدراسیون وزنه‌برداری نتوانست از این آزمون سربلند بیرون بیاید و به‌نوعی به پدیده ورزشکار سالاری مهر تأیید زد؛ تصمیمی که می‌تواند در آینده ورزشکاران بیشتری را برای گرفتن امتیاز و ایستادن رو در روی مربی، تشویق کند. در این صورت با از بین رفتن رابطه‌ای که بین مربی و ورزشکار باید وجود داشته باشد، یک قهرمان به خودش اجازه می‌دهد تا برای همه چیز تعیین تکلیف کند و نکته تأسفیر انگیز تر اینکه، مدیر فدراسیون هم پشت این ورزشکاری ایستد و او را مقابل مربی حمایت می‌کند.

البته در این بین برخی مدیران، حفظ یک قهرمان و مدال آور را توجیه ورزشکار سالاری عنوان می‌کنند، ادله‌ای که به‌هیچ‌عنوان در ورزش دنیا پذیرفته شده نیست؛ در موارد زیادی مشاهده شده در یک کشور، حرفه‌ای که مدال‌های زیادی را هم کسب کرده، به دلیل سربچی از دستور مربی و ایستادن مقابل وی، کتار گذاشته‌اند تا این مسئله در آینده برای قهرمان دیگری تکرار نشود و ورزشکار به خودش اجازه ندهد فراتر از اختیاراتی که دارد، در اردو یا تمرینات عمل کند. به همین خاطر توجیهاتی مانند حفظ قهرمان، تنها یک بهانه برای پوشاندن سوءمدیریت‌هایشان است، سومندریتی که کار را به‌جایی رسانده که در اردوی یک تیم، حرمت‌ها بین ورزشکار و سرمربی از بین برود وقهرمان رو در روی مربی‌اش بایستد. این در صورتی که است که وظیفه اصلی یک مدیر علاوه بر حفظ قهرمان، مبارزه باورزشکار سالاری نیز هست و راضی نگه داشتن یک ورزشکار، به‌هیچ‌منفی که در نهایت منجر به ویارویی یک مدیر با مربی می‌شود، با هیچ کدام از ارزش‌های پهلوانی حاکم بر ورزش سنخیت ندارد و آنها را زیر سؤال هم می‌برد. در این شرایط بدیهی است که برای ورزشکار سالاری باید ابتدا در سیستم مدیریتتی یک فدراسیون یا هر بخش دیگری از ورزش کشور، اراده‌ای جدی برای مبارزه با این پدیده وجود داشته باشد و خود ر قاطعه‌ها یا پدیده ورزشکار سالاری نتگاهی است که می‌تواند آینده ورزش کشور را از تأثیرات منفی که این پدیده می‌تواند داشته باشد، بیمه کند و اجازه ندهد تا حریم‌هایی که همواره در فرهنگ ورزش بر آن تأکید می‌شود، به دلیل تنها یک مدال یا یک حرفه‌ای شکسته وزیر پا گذاشته شود.

اینجا جایی برای ناز کردن نیست

واژه‌های نامفهوم برای حرفه‌ای‌ها

وقتی همه چیز سر جای خودش باشد و روال قانونی خود را طی کند، طبیعی است که هیچ کسی نتواند به خود اجازه زیاده‌خواهی دهد. طبیعت جهان، ورزش‌کشو‌های صاحب عنوان و بیشتره دقیقآر وی این مدار در حال حرکت است، بنابراین پدیده زشتی به نام ورزشکار سالاری را نمی‌توان در آن یافت. البته باید توجه داشت که ورزشکار سالاری کاملا متفاوت است با تخلفاتی که برخی مواقع از چهره‌ها و ستاره‌های ورزش دنیا دیده می‌شود. تخلفاتی که با شدیدترین برخورد‌های انضباطی پاسخ داده می‌شود. تفاوتی هم نمی‌کند که متخلف چه کسی باشد، ستاره، بزرگ، معروف، قانون تعارف بردار نیست. وقتی تخلف کنی یا محرومیت و جریمه روبه‌رو می‌شوی. تفاوت نمی‌کند رونالدو یا مسی چنین‌ها به شدت سلسله مراتب را رعایت می‌کنند.

اما ورزشکار سالاری، به جرئت می‌توان گفت که در ورزش حرفه‌ای دنیا نمی‌توان نمونه‌ای پیدا کرد. ورزشکار حرفه‌ای دنیا فوتبالبست گرفته تا آنکه کشتی می‌گیرد و بسکتبال و والیبالی بازی می‌کند یا آنکه راکت تنیس در دست می‌گیرد و دیگری که برای شنا تن به آن می‌زند، جایگاه خود را خوب می‌داند، وظایف خود را می‌داند. از حقوق خود نیز به خوبی مطلع است بنابراین در سال‌های حضورش به عنوان ورزشکار تلاش خود را می‌کند. اگر موفق شود، نامش بزرگ می‌شود و جالب اینکه همراه با نامی شدن، منشی و اخلاق مدار کسی نیز بزرگ می‌شود. تاریخ ورزش دنیا را که برگردید نمی‌توانید نمونه‌ای پیدا کنید که صاحب عنوانی به مربی خود تاخته باشد یا برای فدراسیون و ورزش کشورش تعیین تکلیف کرده باشد. به عنوان نمونه نمی‌توانید حتی یک بار پیدا کنید که مایکل فلیس دارنده ۴۸ مدال طلای شнай المپیک و جهانی جایی گفته باشد من با این مربی کار نمی‌کنم یا باید تنها کار کنم. تیم ملی یعنی چه؟ اردو به چه کاری می‌آید؟ یا اینکه برای فدراسیون شнай کشورش خط و نشان بکشد. به‌طور حتم در بسکتبال دنیا بازیکنی به بزرگی مایکل جردن کمتر دیده می‌شود. بازیکنی که حتی مردم برای خرید کفش‌های از رده خارج شده‌اش سرو دست می‌شکنند اما این بزرگ‌ترین بسکتبالیست تاریخ تا روزی که به میدان می‌رفت، روی حرف مربی تیمش حرف نزد و برای بازی در تیم ملی کشورش هم شرایط تعیین نکرد.

از بزرگان فوتبال هم که هر چه بگویم کم گفته‌ایم، آنها که نبودشان حتی کار تیمی تیمشان را مختل می‌کند اما هیچ‌گاه به خود اجازه نمی‌دهند برای حضور در میدان شرط و شروط بگذارند. واقعیت این است که ورزشکار حرفه‌ای جایگاه خود را می‌شناسد، می‌داند که دوران حرفه‌ای تمام شدنی است بنابراین باید تلاش کند. می‌داند مسئولیتش است که می‌تواند به راحتی با جای پای او بگذارد بنابراین به درستی از شرایط موجود استفاده می‌کند، کسب عنوان می‌کند، قهرمان می‌شود و با پایان یافتن دوران حرفه‌ای خداحافظی می‌کند.

در این میان سازمان ورزش در کشورهای پیشرفته و ورزشی نیز کار خود را انجام می‌دهد، امکانات را فراهم می‌آورد و در امور فنی دخالت نمی‌کند. جوانانگاری را در دستور کار قرار نمی‌دهد و از ورزشکارش توقع نتیجه‌گیری دارد. جمیع این مسائل و این حرکت درست در سرمربی موفقیت‌جایی برای ورزشکار سالاری یا حتی مدیر سالاری باقی نمی‌گذارد. در این سیستم درست ورزشکار یا مدیر ضعیف به راحتی کنار می‌روند و مدیر موفق و ورزشکار موفق هم کارشان را انجام می‌دهند و می‌دانند که این اقدام در سایه همین فعالیت‌هاست که بزرگ شده‌اند بنابراین جایی برای تفکر سالارآمانانه باقی نمی‌ماند چون این سیستم درست به راحتی حکم به حذف کسی می‌دهد که فکر کند می‌تواند برای آن تعیین تکلیف کند یا خود را بزرگ‌تر از آن فرض کند. و حرف آخر اینکه به نظر شما وقتی موفق‌ترین کشورهای جهان در المپیک بعد از پایان این رقابت‌های بزرگ حتی ترکیب تیم‌های طلایی و مدال آور خود از مربی گرفته تا بازیکن را تغییر می‌دهند، جایی برای ورزشکار سالاری باقی می‌ماند؟

